

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول و روش‌ها

در مباحث تکمیلی و تکمله‌های بحث تربیت خانوادگی ما امسال چند محور را تا به حال بحث کردیم و آخرین محورش همان دعا بود که گرچه خود مبحث دعا سؤالاتی دارد و جای بحث‌های بیشتری دارد ولی فکر می‌کنم اگر به همان اندازه اکتفا کنیم بهتر است.

تکمله روش‌های تربیتی

نماز و استغفار والدین برای فرزند

بعضی از نکات و روش‌های دیگر هم آمده است که این‌ها معمولاً به لحاظ فقهی و رجالی دلیل خیلی قاطع و روشنی ندارد اما به‌رحال به نحوی در روایات آمده است که من به بعضی از این‌ها اشاره می‌کنم، یکی علاوه بر دعا، نماز و استغفار است، در طرف پدر شاید ادله بیشتری وجود دارد که می‌گوید برای پدر نماز بخوانید و استغفار کنید، برای پدر و مادر، اما در طرف معکوسش هم در بعضی روایات آمده است البته خیلی روایات معتبری نیست که من در این جا آدرسش را بیان می‌کنم و خودتان ملاحظه می‌کنید، در بحار جلد ۸۲ صفحه ۶۳ که در مورد استغفار برای فرزند یا نماز خواندن و امثال این است، البته عمومات و اطلاعاتی داریم که این‌ها را هم شامل می‌شود ولی به طور خاص سندی ندارد.

سوغات و اتحاف اولاد

موضوع دیگر همان بحث سوغات و اتحاف اولاد است که در جلد ۱۰۴ در همان ابواب اولاد دو سه روایت آمده است ولی روایات معمولاً یا از عِدَّةُ الدَّاعِي است و یا از محاسن برقی است یا از تحف است و یا از جایی است که سندی ندارد.

تزویج فرزند

موضوع دیگر که قبلاً گفتیم همان تزویج فرزند است که این هم در رو سه روایت آمده است ولی هیچ‌کدام سندی ندارد ولی اطلاعات و عمومات شامل آن می‌شود که این هم در باب ۸۶ همان ابواب و احکام اولاد وسائل و مستدرک در ذیلش چند روایت آمده است که همه سندهای ضعیفی دارد. قبلاً هم این را گفتیم که عمومات تزویج برای دیگران داریم که شامل پدر و مادر هم می‌شود ولی این که به طور خاص پدر و مادر را گفته باشد این در چند روایت آمده است که معتبر نیست، البته برای پدر و مادر هم عمومات داریم که اعانه کنند و برّ و احسان کنند و یا فرزندشان را از گناه بازدارند و هم یک عموماتی در مورد خصوص تزویج برای عموم مؤمنین و مسلمین داریم که آن هم باز شامل پدر و مادر می‌شود و لذا در این جا دو نوع عموم داریم، یکی عموماتی که برای پدر و مادر نسبت به فرزند است منتها عنوان تزویج در آن نیست بلکه برّ و احسان و وقایه و امثال این‌ها است که یک مصداق آن تزویج است، نوع دوم از عمومات عموماتی است که عنوان تزویج است ولی پدر و مادر در آن نیست که آن هم باز شامل پدر و مادر می‌شود و لذا دو نوع عموم داریم که نسبت به تزویج فرزند به عنوان یک مستحب مؤکد شامل می‌شود، قبلاً می‌گفتیم یک قواعد عامی داریم که در یک شرایطی هم واجب می‌شود.

(آن قرائتی دارد که حمل بر وجوب نمی‌شود و نمی‌شود به اطلاقش نظر داد و باید بحث کرد، یا باید حمل شود و وجوبش را حفظ کنیم و حمل کنیم بر جایی که اگر انجام نشود او در گناه می‌افتد و یا این است که باید اطلاقش را بگیریم و ظهور نکاح را در وجوب از آن اخذ کنیم، این هم از همان موارد تعارض بین اطلاق متعلق و ظهور صیغه در وجوب است، هم در خود آیه قرینه دارد و هم یک ارتکاز بیرونی وجود دارد که الزام را از آن می‌گیرد و لذا در تزویج دو نوع عموم داریم ولی به طور خاص دو سه روایتی که وجود دارد سند ندارد و در همان باب ۸۶ ابواب و احکام اولاد می‌بینیم).

تکریم مادر

محور دیگر که قبلاً هم یکی دو بار گفتیم ولی دلیل متقنی ندارد و در یک روایت آمده است این است که یکی از شیوه‌های تربیت فرزند این است که به مادرش احترام بگذارد و مادر را در خانه تکریم کند که این هم در همان باب ۸۶ از حُقُوقِ الْأَوْلَادِ آمده است، روایتی که ابن ابی جمهور از فضاله نقل کرده است که آن روایت هم معتبر نیست ولی تعبیرش این است که «أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّه»^۱ که می‌گوید یستکرم اُمّه، این هم یک مطلبی است که در آن روایت غیر معتبر

۱- وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۱.

آمده است گرچه ما قواعد کلی داریم که این را روشن می‌کند اما آن روایت هم به طور خاص روایت معتبری نیست. این بیشتر روش‌های ایجابی بود.

روش‌های سلبی در تربیت خانوادگی

قهر کردن از فرزند

در روش‌های سلبی یکی عنوان قهر است که در روایتی از عدّه الداعی آمده است که «لَا تَضْرِبُهُ وَ أَهْجِرُهُ وَ لَا تُطَلِّ». این روایت در بحار جلد ۱۰۴ ابواب و احکام اولاد از عدّه الداعی نقل شده است که این روایت معتبری نیست ولو این که روایت مشهوری است که می‌گوید در مقام تربیت نزن بلکه قهر کن ولی قهرت هم طولانی نباشد.

موارد حرمت قهر کردن

حجر مؤمن منع شده است و در حدودی حرام است و در حدودی مکروه است و برای آن حدودی ذکر شده است که اصل قهر امر مکروهی است و اگر بیش از چند روز باشد در روایاتی دارد که بعید نیست حمل بر حرمت کنیم یا اگر قهر اقربا باشد قطع رحم می‌شود و آن هم در یک شرایطی حرام می‌شود، قهر کردن از دیگران امر مکروهی است و مکروه مؤکد است اما بعید نیست که در بعضی از موارد قائل به حرمتش شویم، یکی آن جایی که در ارحام باشد و اصل یا طولانی شدنش مصداق قطع رحم شود که قطع رحم حرام است، یا در غیر ارحام ممکن است بگوییم بعضی روایاتی که دارد بیش از سه روز ظهور در حرمت دارد، پس ممکن است گاهی در آن حرمت باشد اما ذاتش مکروه مؤکد است.

مفهوم «أحجر»

یک روایتی که معتبر نیست می‌گوید که «لَا تَضْرِبُهُ وَ أَهْجِرُهُ وَ لَا تُطَلِّ»^۲. این و اهجره را می‌شود دو جور معنا کرد، یکی این که رجحان را از آن استفاده کنیم یا این که بگوییم این منع عقیب حذر است یعنی چون نسبت به قهر کراهتی وجود دارد در این جا می‌گوید جایز است البته در این حذرش کراهت است و منع عقیب حذر سلب کراهت می‌کند و می‌گوید که مانعی ندارد که کسی در مقام تربیت قهر کند و رفع کراهت یا حرمت می‌کند و می‌گوید آن حکم در این جا نیست. یک احتمال هم این است که بگوید و اهجره می‌گوید که از این روش استفاده کن یعنی استفاده از این روش

^۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص ۹۹.

خوب است، پس یا اولی است که اظهر همان است، اگر هم دومی باشد باز اطلاق ندارد که همیشه قهر کن و مناسبات حکم موضوعش می‌گوید جایی که ضرورت دارد و نیاز است و منشأ اثر می‌شود و به عنوان یک روش توصیه می‌شود. بنابراین این که بگوییم توصیه روشی می‌کند یا این که رفع حذر از یک روش ممنوع در رابطه تربیتی می‌کند این دو احتمالی است که در این وجود دارد اما سندش معتبر نیست. تمام چیزهایی که می‌گوییم سند ندارد و معتبر نیست به قاعده برمی‌گردد البته قاعده قصه این است که قهر کردن در جایی که برای تربیت ضرورت دارد و یا تأثیر مثبت داشته باشد می‌تواند واجب یا مستحب شود ولی روشن است که به عنوان یک روش عادی دین ترغیب به آن نمی‌کند.

نفرین کردن فرزند

یکی هم بحث نفرین است که در یک روایت آمده است که آن هم سند معتبری ندارد که از پیغمبر نقل شده است که لا تَدْعُ عَلِيَّ أَنْفُسِكُمْ و لا عَلِيَّ أَوْلَادِكُمْ که باید در همان باب ۱۰۴ بحار ابواب و احکام اولاد که ابتدای جلد است باشد که این هم سند معتبری ندارد و لذا برای نفرین نکردن هم به طور خاص در این جا سندی نداریم، بنابراین به طور خاص همین یک روایت است و فوقش یک روایت دیگر هم است که سند ندارد که می‌گوید نفرین نکنید و لذا نمی‌شود به طور خاص حکمی از این استفاده کنیم و لذا به همان قواعد کلی عطف می‌شود.

حرمت نفرین مؤمن

قواعد کلی‌اش در وسائل الشیعه کتاب الصلاة ابواب دعا که هفته‌های قبل می‌خواندیم باب ۵۳ که در آن جا عنوان باب این است که دعا علی المؤمنین که همان نفرین است و در آن جا دو روایت است که بعید نیست از آن‌ها استفاده حرمت شود یعنی نفرین دیگران کردن جایز نیست مگر در مقام انتصار و برای مظلوم و جایی که کسی مورد ظلم قرار گرفته است، در همان باب ۵۳ دو حدیث اول که معتبر است این است که «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ مَظْلُومًا فَمَا يَزَالُ يَدْعُو حَتَّى يَكُونَ ظَالِمًا»^۲؛ یعنی می‌گوید کسی مظلوم است و آن قدر نفرین می‌کند تا این که ظالم شود که این نشان می‌دهد که اصل نفرین برای مظلوم مانعی ندارد ولی وقتی که این نفرین را زیاد می‌کند آن وقت ظالم می‌شود که این نشان می‌دهد که اصل نفرین نوعی ظلم است منتها مظلوم در مقام انتصار و انتقام مانعی ندارد که این روایت سند معتبری دارد و دلالتش هم بعید نیست و می‌شود از آن استفاده حرمت کرد یعنی بدون این که کسی در مقام انتصار و انتقام باشد و یا بدون این که مظلوم باشد و بخواهد نفرین دیگران کند این حرام است اما برای مظلوم مانعی ندارد یعنی هم می‌شود از

این استفاده کرد و هم در سنت و سیره ائمه وجود دارد و خود امیرالمؤمنین و امام حسین سلام الله علیه یکی از بحث‌های عاشورا همین نفرین‌ها است و طبق نقل‌هایی که آمده است در عاشورا چندین مورد نفرین وجود دارد اما این که بخواهد بدون وجه کسی را نفرین کند بعید نیست که قائل به حرمت آن شویم.

حدیث سوم که باز هم معتبر است این است که «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْمُؤْمِنَ يَذْكُرُ أَخَاهُ بِسُوءٍ وَ يَدْعُو عَلَيْهِ قَالُوا لَهُ: بِسُّ الْأَخِ أَنْتَ لِأَخِيكَ»^۴ که می‌فرماید وقتی ملائکه می‌بینند که کسی برادر مؤمن خودش را نفرین می‌کند به او می‌گویند تو بد برادری هستی، از این کار دست بردار که این مجموعاً ظهور در حرمت دارد که بدون این که جهتی باشد نفرین دیگران می‌کند یا این که جهتی هم دارد ولی چیزی نیست که بخواهد به خاطر آن نفرین کند که مثلاً خدا مرگت دهد، از این جهت است که بعید نیست یک اطلاقی در حرمت نفرین از غیر مظلوم و بیش از آن حدی که موجه است استفاده کرد، در مورد مظلوم اطلاقاتی داریم که حرمت را می‌رساند، باب ۵۳ از ابواب دعا که حدیث اول و سومش معتبر است، احادیث دیگری هم در این باب است که یا معتبر نیست و یا مربوط به نفرین حاکم و حکومت است که آن داستان دیگری دارد.

بنابراین در اصل می‌شود گفت که نفرین حرام است ولی برای مظلوم در جایی که تناسبی داشته باشد جایز است حتی ممکن است آن را هم قائل به مکروه شویم که در یک شرایطی هم ممکن است مکروه نباشد ولی در مورد خصوص فرزند در روایت غیر معتبرهای آمده است که لا تَدْعُ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ و لا عَلَيَّ أَوْلَادِكُمْ، ولی آن عموماً آن را هم شامل می‌شود و لا يَخْلُ مِنْ إِشْكَالٍ و حداقل باید بگوییم که احتیاط واجب است که نظر به این شود که حرام است.

قصد در نفرین

گاهی هست که این جمله‌ها مثل خدا مرگت دهد قصد انشاء دعا نیست و این بیشتر جمله‌ای برای توبیخ است که اگر این طور باشد بعید نیست که بگوییم اشکال ندارد و نوعی توبیخ می‌کند و اصلاً قصد جدی نسبت به مضمون ندارد، اما اگر قصد جدی نسبت به مضمون باشد اشکال دارد و بعید نیست که بگوییم حرام است. باید مظلوم باشد یعنی به او ظمی کرده باشد اما اگر ظمی نکرده است و او بیخود ناراحت می‌شود آن جایز نیست. اگر صدق ظلم کند جایز می‌شود.

تفاوت لعن و نفرین

لعنت هم نوعی نفرین است منتها نفرین خاص است، لعنت بیشتر انشاء است، علیه لعن که گفته می‌شود یعنی غضب خدا متوجه او باشد، نفرین خاص است و لذا نفرین در مواردی حرام است و در بعضی جاها استثنا دارد و جایز می‌شود و در بعضی جاها هم مؤکداً حرمت پیدا می‌کند.

تنبیه بدنی فرزند

در مورد ضرب و زدن هم باز اصل بر عدم جواز است ولی قاعده کلی داریم و در مورد اولاد در بحث شهادت روایاتش را در کتاب حدود خوانده‌ایم که به آن جا مراجعه می‌کنید که بعید نیست یکی از روایاتش معتبر باشد و در حد یکی دو تا زدن بدون این که آثاری باقی بماند تجویز شده است. البته در باب نماز استثنا نیست که بگوییم تا یک اندازه جایز است بلکه در باب نماز گفته شده است که با یک شرایطی بزنید منتها این‌ها را در باب نماز بحث کردیم، این هم بحث ضرب است که این‌ها در واقع روش‌های منفی است.

صبر بر اذیت فرزند

یکی دیگر از بحث‌هایی که در روایات وجود دارد همان صبر و بردباری بر آزار بچه‌ها است، گریه و بدی‌هایی که می‌کنند که این هم در کافی جلد ۶ صفحه ۵۲ باب نوادر حدیث ۵ آمده است که روایت معتبر است، این روایت در وسائل و... هم نیامده است که از محمد ابن مسلم است و می‌گوید که خدمت حضرت بودم دَخَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ، دیدم خیلی آه و ناله می‌کند، حضرت از او سؤال کردند که «مَا لِي أَرَاكَ تَتَنُّ»، او جواب داد: «طِفْلٌ لِي تَأْذِيْتُ بِهِ اللَّيْلَ»، یعنی دیشب گریه می‌کرد و مرا اذیت می‌کرد، امام فرمود: «يَا يُونُسَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، یعنی همین سؤال را جبرئیل از پیغمبر کرد که «مَا لِي أَرَاكَ تَتَنُّ»، حضرت فرمود که بچه‌ها دیشب گریه می‌کردند، جبرئیل می‌گوید «يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّهُ سَبَّعَتْ لَهُوَلَاءَ شَيْعَةً إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فَبُكََاوَهُ نَأَى إِلَهُ إِلَّا إِلَهُهُ»، می‌گوید برای این‌ها شیعیانی پیدا می‌شوند که وقتی گریه می‌کنند گریه‌شان این است چه برسد به خود این‌ها که «فَبُكََاوَهُ لَأ إِلَهُ إِلَّا إِلَهُهُ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا جَازَ السَّبْعَ فَبُكََاوَهُ اسْتِغْفَارُ لَوْلَادِيهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ

عَلَى الْحُدُودِ»، یعنی به حد بلوغ برسد، «فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلِوَالِدَيْهِ وَ مَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا»^۵، در این روایت نکات قشنگی وجود دارد و چون معتبر است چند نکته‌ای را راجع به این روایت بیان می‌کنیم:

استحباب «صبر بر اذیت فرزند»

یک نکته این است که صبر بر آزار فرزند را ذکر کرده است و این که یک امر مستحب مؤکد است.

صبر تا بلوغ فرزند

مطلب دیگر این است که این جا بُکاء دارد و این بُکاء اختصاص به یک سال و دو سال و شیرخوارگی نیست و تا دوره بلوغ این‌طور است و صبر بر آن ثواب و ارزش و اجر دارد.

شمول روایت بر مطلق «اذیت فرزند»

نکته دیگر هم این است که بعید نیست در این جا بگوئیم بُکاء خصوصیت ندارد یعنی ممکن است کسی بگوید که بُکاء خصوصیت ندارد و آزارهای دیگر را هم شامل می‌شود، این هم احتمالی است که ممکن است کسی بدهد منتها آن که این احتمال را دفع می‌کند ذیلش است که بُکاء را تفسیر می‌کند و می‌گوید گریه بچه لا إله الا الله است و گریه بچه بعد از هفت سال استغفار است، ظاهرش این است که می‌خواهد بگوید یک نکته ملکوتی و غیبی در این قصه است که اگر این را بگوئیم این اختصاص به بُکاء پیدا می‌کند و شامل سایر آزارها و اذیت‌های طبیعی که بچه‌ها دارند نمی‌شود ولی با همه این‌ها باز بعید نیست که بگوئیم الغای خصوصیت جایز است یعنی اصولاً این صبر و بردباری حتی سایر آزارها و اذیت‌ها را هم شامل می‌شود، اگر هم الغای خصوصیت نکنیم البته صبر و بردباری در امر کلی مطلوب است و علی‌القاعده نسبت به فرزندان هم مطلوبیت دارد. البته همین مضمون از طریق اهل سنت هم نقل شده است، در بحار جلد ۱۰۴ صفحه ۱۰۳ حدیث ۹۵ از عبدالله ابن عمر نقل کرده است که پیغمبر فرمود: «لَا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَى بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ الدُّعَاءُ لِوَالِدَيْهِ»^۶. در مقوله صبر البته نسبت به فرزندان دختر، باز در بحار جلد ۱۰۴ روایت ۹۱ از عامه است و در وسائل هم در جلد‌های ابواب اول احکام اولاد آمده است که کسی که بر حفظ و نگهداری دختران صبر کند و خوب از آن‌ها

۵ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۵۳.

۶ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۳۸۱.

مواظبت کند ثواب ویژه‌ای به او وعده داده شده است که در باب آن چند روایت است که در وسائل می‌بینید. این که بگوئیم چون وسائل نقل نکرده است پس یک خللی در این می‌دیده است، چنین چیزی نیست بلکه روایات معتبر زیادی داریم که در وسائل نیامده است.

آرزوی مرگ فرزند

یک بحث هم در مورد آرزوی مرگ فرزند است، به خصوص در مورد دختران که در یک روایتی آمده است که «مَنْ تَمَنَّى مَوْتَ الْبَنَاتِ حُرْمَ أَجْرِهِنَّ وَ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى عَاصِيًا»^۷، این روایت در بحار جلد ۱۰۴ روایت ۷۸ است که به نظر ظاهراً روایت معتبری نداشته باشد. منتها من حکم تمنی مرگ دیگران را نمی‌دانم و این که ادله ویژه‌ای دارد یا ندارد نمی‌دانم، در این جا هم دلیل معتبری ندارد، علی‌القاعده یک اطلاقاتی داریم که این امر مستحسن نیست و عموماً و اطلاقاتی شامل این می‌شود اما به طور خاص من بررسی نکرده‌ام.

بررسی دیدگاه متفکران علوم تربیتی

ما مجموعاً در بحث تربیت خانوادگی یک مقداری به بحث‌های مبنایی و بنیادی هم پرداختیم و بعد هم در حقیقت مجموعه مباحث در ساحت‌های مختلف مورد بحث قرار گرفت و قسمت زیادی از این مباحث هم به صورت اصول و روش‌های عام در تربیت خانوادگی می‌شود تنظیم کرد. شاید چیزی باقی نمانده باشد، چه آن‌هایی که سند دارد و چه آن‌هایی که سند ندارد و چه آن‌هایی که الزامی است و چه آن‌هایی که غیر الزامی است که تقریباً استفراغ وسیعی شد در بررسی همه ابعادش در طول یک سال و نیمی که بحث کردیم. بحثی که می‌خواهیم طرح کنیم این است که تا به حال از متون و منابع دینی گفتیم که چه می‌شود استخراج کرد در باب تربیت خانوادگی در ساحت‌های عبادی و اعتقادی و جنسی و عاطفی و روحی و اخلاقی و شغلی و امثال این‌ها که اصول و روش‌ها و قواعد این‌ها و همین‌طور مبنایی بحث تا زیادی بحث شد، اما بحث این است که اگر بخواهیم از این طرف سراغ متون برویم می‌بینیم که در تحقیقات جدید و مباحث جدید علوم تربیتی و تعلیم و تربیت در حوزه خانواده به یک چیزهایی توصیه شده است و تحلیل‌هایی ارائه شده است و نکاتی گفته شده است که باید ببینیم این‌ها عرضه بر همین سیستمی که تا به حال بحث کردیم می‌شود و حکم این‌ها استخراج شود، در کتاب‌هایی که راجع به خانواده و تربیت خانوادگی نوشته شده است می‌بینیم هم خانواده تقسیماتی دارد و بعد توصیه‌هایی به پدر و مادر می‌شود که یک سلسله اموری است که این‌ها را تنظیم می‌کنیم و بر همین چارچوب‌های که تا به حال استخراج کردیم عرضه می‌کنیم.

